



تحلیل پیکره بنیاد صنایع بلاغی در شعر معاصر کودک فارسی و نسبت آن با شاخص های خوانایی متناسب با گروه سنی

رضا هادی لو^{۱*}، ناصر پورحبیبی زرنندی^۲

۱- دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد هیدج، استان زنجان، ایران. ایمیل: reza.hadilou@iau.ec.ir

۲- استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ایمیل: n.poorhabiby@cfu.ac.ir

* نویسنده مسئول

چکیده

این مطالعه به تحلیل پیکره بنیاد صنایع بلاغی در شعر معاصر کودک فارسی و بررسی نسبت آن با شاخص های خوانایی متناسب با گروه های سنی مختلف می پردازد. با استفاده از روش های تحلیل پیکره ای و تکنیک های کمی سنجش خوانایی، مجموعه ای از نمونه های شعر کودکان منتشر شده در پنج سال اخیر جمع آوری شد. داده ها نشان می دهد که استفاده هدفمند از صنایع بلاغی در شعر کودک با سطوح مختلف شناختی و مهارت های زبانی کودکان همخوانی دارد و می تواند به بهبود فهم و لذت بردن از شعر کمک کند. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که شاخص های خوانایی مانند طول جمله، پیچیدگی واژگان و تنوع ساختاری، رابطه مستقیم با درک مؤثر متن توسط کودکان دارند و پیکره بندی سیستماتیک این عناصر می تواند راهنمایی عملی برای شاعران و آموزگاران ارائه دهد. این پژوهش نشان می دهد که تلفیق تحلیل پیکره ای با سنجش خوانایی، امکان شناسایی الگوهای بلاغی مؤثر و طراحی متن های مناسب گروه های سنی مختلف را فراهم می کند و می تواند پایه ای برای تحقیقات آینده در حوزه آموزش زبان و ادبیات کودک باشد.

کلمات کلیدی: شعر کودک، صنایع بلاغی، تحلیل پیکره ای، خوانایی، گروه سنی

A Corpus Based Analysis of Rhetorical Devices in Contemporary Persian Children's Poetry and Their Relationship with Age Specific Readability Indices

Reza Hadiloo^{1,*}, Naser Pourhabibi Zrandi²

1- Persian Literature Department, Hidaj Branch, Islamic Azad University, Hidaj, Iran. Email: reza.hadilou@iau.ec.ir

2- University assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangiyen University of Tehran, Iran.

Email: n.poorhabiby@cfu.ac.ir

* Corresponding Author

Abstract

This study investigates the corpus-based analysis of rhetorical devices in contemporary Persian children's poetry and their relationship with readability indices appropriate for different age groups. Using corpus analysis methods and quantitative readability measures, a collection of children's poems published in the last five years was examined. The findings indicate that the deliberate use of rhetorical devices in children's poetry aligns with various cognitive levels and linguistic abilities, enhancing comprehension and enjoyment. Furthermore, results suggest that readability indices, such as sentence length, lexical complexity, and structural variety, are directly related to effective understanding of texts by children. Systematic corpus-based evaluation of these elements provides practical guidance for poets and educators. This research demonstrates that combining corpus analysis with readability assessment allows identification of effective rhetorical patterns and the design of age-appropriate texts, providing a foundation for future studies in language education and children's literature.

Keywords: Children's poetry, Rhetorical devices, Corpus analysis, Readability, Age group

مقدمه

شعر کودک به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای تربیت ادبی و زبانی در دوران رشد کودکان، نقش حیاتی در توسعه مهارت های شناختی، زبانی و عاطفی دارد. در چند دهه اخیر، پژوهش های متعددی به بررسی ویژگی های زبانی، ساختاری و بلاغی شعر کودک پرداخته اند، زیرا فهم و جذابیت شعر برای مخاطب کودک تا حد زیادی به سازگاری آن با توانایی های شناختی و زبانی گروه سنی بستگی دارد [۱، ۲]. شعر کودک معاصر فارسی، با حفظ جذابیت های سنتی و همزمان با بهره گیری از نوآوری های زبانی و بلاغی، به دنبال ایجاد تجربه ای تعاملی و آموزشی برای کودک است.

یکی از محورهای اساسی در تحلیل شعر کودک، صنایع بلاغی است که به طور سنتی در ادبیات فارسی مطالعه شده است. استفاده از استعاره، تشبیه، جناس، تکرار و سایر ابزارهای بلاغی می تواند سطح جذابیت و درک شعر را برای کودک افزایش دهد، به شرطی که این صنایع با سطح شناختی و مهارت های زبانی کودک هماهنگ باشند [۳، ۴]. پژوهش های اخیر نشان می دهند که عدم تطابق بین پیچیدگی بلاغی و توانایی فهم کودک می تواند منجر به کاهش اثرگذاری شعر و حتی ایجاد سردرگمی در فرآیند یادگیری زبان شود [۵].

در کنار بررسی صنایع بلاغی، خوانایی متن یکی از شاخص های کلیدی برای ارزیابی مناسب بودن شعر برای گروه های سنی مختلف است. خوانایی، مجموعه ای از معیارهای کمی و کیفی است که میزان آسانی یا دشواری درک یک متن را نشان می دهد و شامل عواملی مانند طول جمله، پیچیدگی واژگان، تنوع ساختاری و قابلیت پیش بینی زبانی می شود [۶، ۷]. مطالعات نشان داده اند که تلفیق تحلیل بلاغی با ارزیابی خوانایی می تواند الگوهای مؤثری از ارتباط بین ساختار بلاغی و درک متن توسط کودک ارائه دهد و زمینه ساز طراحی شعرهایی شود که هم آموزنده و هم جذاب هستند [۸، ۹].

روش های تحلیل پیکره ای یکی از ابزارهای نوین در این حوزه است که امکان بررسی نظام مند متون را فراهم می کند. با استفاده از پیکره های متنی، می توان فرکانس و توزیع صنایع بلاغی، واژگان کلیدی، و الگوهای زبانی مرتبط با گروه سنی کودک را شناسایی کرد و تحلیل های کمی را با چارچوب های نظری ادبی ترکیب نمود [۲، ۶، ۱۰]. این رویکرد نه تنها به شناسایی الگوهای بلاغی در شعر کودک کمک می کند، بلکه امکان سنجش تطابق شعر با شاخص های خوانایی و سطح توانایی های شناختی کودک را نیز فراهم می آورد.

با توجه به تحولات اخیر در حوزه شعر کودک فارسی و افزایش تولیدات ادبی مناسب گروه های سنی مختلف، نیاز به پژوهش های پیکره بنیاد و مبتنی بر داده های کمی بیش از پیش احساس می شود. در حالی که پژوهش های سنتی بیشتر به تحلیل های کیفی و تفسیر فردی پرداخته اند، این تحقیق با استفاده از روش های پیکره ای و شاخص های خوانایی، به دنبال ارائه یک چارچوب تحلیلی دقیق و کاربردی است که بتواند شاعران، معلمان و محققان ادبیات کودک را در طراحی متون مناسب راهنمایی کند.

در نتیجه، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین صنایع بلاغی و خوانایی شعر کودک فارسی، و شناسایی الگوهای مؤثر برای گروه های سنی مختلف انجام شده است. این پژوهش با بهره گیری از داده های واقعی و تحلیل های پیکره ای، کوشیده است تا فاصله بین نظریه های بلاغی و کاربرد عملی آن در شعر کودک معاصر را پر کند، و همزمان با ارائه معیارهای خوانایی، امکان ارزیابی تطبیقی متون را فراهم آورد.

مرور پیشینه تحقیق

پژوهش های انجام شده در زمینه شعر کودک فارسی و بلاغت نشان می دهند که تعامل میان عناصر بلاغی و سطح شناختی مخاطب کودک، تأثیر قابل توجهی بر درک و جذابیت متن دارد. بهرامی و حسینی [۱] با بررسی تطبیقی شاخص های خوانایی در متون شعر کودک، نشان دادند که پیچیدگی واژگان و طول جملات از عوامل تعیین کننده در فهم شعر برای گروه های سنی مختلف هستند و شعرهایی که با توانایی های زبانی کودک تطابق دارند، میزان یادگیری و لذت کودک را افزایش می دهند.

کریمی [۲] در مطالعه ای مبتنی بر تحلیل پیکره ای شعر کودک فارسی، به شناسایی الگوهای تکرار واژگان، استفاده از صنایع بلاغی و ساختار جمله پرداخت و تأکید کرد که پیکره بندی نظام مند شعر می تواند نقش مهمی در طراحی متن های مناسب برای گروه های سنی مختلف داشته باشد. یافته های این مطالعه نشان داد که شعرهایی با تراکم مناسب صنایع بلاغی و واژگان قابل فهم، سطح درک و حافظه کودک را بهبود می بخشد.

صادقی و احمدی [۳] با تمرکز بر صنایع بلاغی در شعر کودک معاصر، دریافتند که استفاده هدفمند از استعاره، تشبیه و تکرار نه تنها جنبه زیبایی شناسانه شعر را تقویت می کند، بلکه در فرآیند درک مفاهیم توسط کودکان نیز مؤثر است. آن ها همچنین اشاره کردند که عدم تطابق بین پیچیدگی بلاغی و توانایی های شناختی کودک می تواند منجر به کاهش انگیزه کودک برای مطالعه شعر شود.

رضایی [۴] به بررسی شاخص های کمی خوانایی شعر کودک پرداخته است و تأکید کرده که معیارهایی مانند طول جمله، پیچیدگی دستوری و تنوع واژگانی نقش مهمی در درک متن دارند. این مطالعه همچنین نشان داد که ترکیب تحلیل کمی خوانایی با تحلیل کیفی بلاغت می تواند الگوهای کاربردی برای تولید شعر کودکانه فراهم کند که هم آموزنده و هم جذاب باشد.

جهان بخش و نادری [۵] در پژوهش خود نشان دادند که تطبیق محتوای شعر با توانایی های خواندن و فهم کودک، به ویژه در دوره های ابتدایی، تأثیر مستقیمی بر علاقه کودک به مطالعه و درک مفاهیم دارد. آن ها پیشنهاد کردند که معیارهای خوانایی باید همراه با تحلیل بلاغی برای طراحی شعر کودک به کار گرفته شوند تا اثرگذاری آموزشی و ادبی شعر به حداکثر برسد.

در سطح بین‌المللی، اسمیت و براون [۶] با استفاده از تحلیل پیکره‌ای و روش‌های محاسباتی، دریافتند که الگوهای بلاغی در شعر کودک با سن و مهارت‌های زبانی مخاطب ارتباط مستقیم دارند و تحلیل پیکره‌ای می‌تواند راهکاری علمی برای شناسایی این الگوها ارائه دهد. گرین و تامسون [۷] نیز با ارزیابی شاخص‌های خوانایی در متون کودکان، نشان دادند که پیچیدگی واژگان و طول جملات شاخص‌های قابل اعتماد برای پیش‌بینی درک متن توسط کودکان هستند.

دیویس و چن [۸] در مطالعه‌ای مبتنی بر پیکره‌های متنی ادبیات کودک، تأکید کردند که تحلیل سیستماتیک سبک و ساختار متون می‌تواند الگوهای بلاغی و زبانی مؤثر را شناسایی کند و برای طراحی محتوای مناسب گروه‌های سنی مختلف راهنمایی ارائه دهد. ویلسون و هارپر [۹] نیز نشان دادند که فهم صنایع بلاغی در کودکان به تدریج شکل می‌گیرد و تطابق سطح دشواری بلاغی با توانایی شناختی کودک، بهبود فرآیند یادگیری زبان و ادبیات را تسهیل می‌کند.

سرانجام، مطالعه میلر و جانسون [۱۰] با تمرکز بر ارزیابی فرمول‌های خوانایی در شعر کودک، نشان داد که تلفیق سنجش خوانایی با تحلیل بلاغی امکان طراحی متون کاملاً متناسب با گروه‌های سنی مختلف را فراهم می‌کند و می‌تواند ابزاری عملی برای معلمان و پژوهشگران ارائه دهد. با توجه به مطالعات فوق، روشن است که ترکیب تحلیل پیکره‌ای، سنجش خوانایی و بررسی صنایع بلاغی می‌تواند چارچوب جامعی برای ارزیابی شعر کودک فراهم کند. با این رویکرد، امکان شناسایی الگوهای مؤثر بلاغی و ساختاری، و همچنین طراحی متونی که هم آموزنده و هم جذاب باشند، برای گروه‌های سنی مختلف فراهم می‌شود. این خلأ پژوهشی به ویژه در شعر معاصر کودک فارسی که هنوز تحلیل‌های پیکره‌ای و کمی آن محدود است، نیاز به تحقیق بیشتر را آشکار می‌سازد.

بیان مسئله

با وجود پیشرفت‌های اخیر در حوزه شعر کودک فارسی، هنوز تحلیل نظام‌مند و داده‌محور صنایع بلاغی و ارتباط آن با شاخص‌های خوانایی متناسب با گروه‌های سنی کودک به طور محدود انجام شده است. بسیاری از پژوهش‌های موجود به تحلیل‌های کیفی و فردی محدود شده‌اند و کمتر از روش‌های پیکره‌بنیاد و سنجش کمی خوانایی استفاده شده است. این امر موجب شده است که شناخت دقیق از نحوه تأثیر صنایع بلاغی بر فهم و جذابیت شعر برای کودکان محدود باشد و معیارهای علمی و عملی برای شاعران و معلمان در طراحی شعر کودکان به‌طور کامل فراهم نشده باشد [۲، ۳، ۶].

یکی از چالش‌های اصلی، عدم تطابق بین پیچیدگی بلاغی و توانایی شناختی کودکان است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده بیش از حد از صنایع بلاغی پیچیده یا واژگان دشوار، می‌تواند موجب کاهش درک مفاهیم و انگیزه کودک برای مطالعه شود، در حالی که شعرهایی با بلاغت متناسب، توانایی درک و لذت کودک را افزایش می‌دهند [۳، ۵، ۹]. با این وجود، معیارهای کمی و عملی برای اندازه‌گیری این تطابق در ادبیات کودک فارسی به صورت نظام‌مند ارائه نشده است.

چالش دیگر، محدودیت ابزارهای سنجش خوانایی در شعر کودک است. اکثر شاخص‌های موجود برای متون بزرگسالان طراحی شده‌اند و به طور مستقیم قابل استفاده برای شعر کودک نیستند. شعر کودک علاوه بر ساختار کوتاه‌تر جملات و واژگان ساده، از صنایع بلاغی و بازی‌های زبانی بهره می‌برد که شاخص‌های سنتی خوانایی قادر به ارزیابی دقیق آن‌ها نیستند [۴، ۷، ۱۰]. بنابراین، نیاز به روشی که بتواند شاخص‌های خوانایی را با تحلیل بلاغی هم‌زمان تلفیق کند، احساس می‌شود.

پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأها است. هدف آن شناسایی الگوهای بلاغی در شعر کودک معاصر فارسی و بررسی نسبت آن‌ها با شاخص‌های خوانایی متناسب با گروه‌های سنی است. این مطالعه، با استفاده از روش‌های پیکره‌بنیاد و ابزارهای کمی سنجش خوانایی، امکان ارائه داده‌های قابل اعتماد و کاربردی برای شاعران، معلمان و محققان را فراهم می‌کند. همچنین، این تحقیق می‌تواند چارچوبی علمی برای تولید شعر کودک ارائه دهد که هم جذاب و هم آموزنده باشد و بتواند پاسخگوی نیازهای مختلف گروه‌های سنی باشد.

با توجه به این چالش‌ها و خلأهای پژوهشی، مطالعه حاضر ضرورت علمی و عملی روشی دارد و می‌تواند به گسترش دانش ادبیات کودک، بهبود کیفیت شعر کودکان و افزایش درک و انگیزه کودکان برای مطالعه کمک کند.

روش تحقیق

نوع تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیل پیکره‌بنیاد و کمی-کیفی است که به بررسی صنایع بلاغی در شعر معاصر کودک فارسی و ارتباط آن‌ها با شاخص‌های خوانایی می‌پردازد. رویکرد مطالعه توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از متون شعر کودک جمع‌آوری شده و با روش‌های آماری و پیکره‌ای مورد تحلیل قرار می‌گیرند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی الگوهای بلاغی مؤثر و بررسی سازگاری آن‌ها با شاخص‌های خوانایی متناسب با گروه‌های سنی مختلف است [۲، ۶، ۸].

جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل شعرهای کودک معاصر فارسی منتشرشده طی پنج سال اخیر (۲۰۱۸-۲۰۲۳) است که در کتابها، مجلات و منابع معتبر آموزشی منتشر شده‌اند. برای دستیابی به نمونه‌ای قابل اتکا، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد تا شعرهایی انتخاب شوند که از نظر محتوا، تنوع واژگانی و سبک بلاغی متنوع باشند. حجم نمونه شامل ۱۲۰ شعر کودک از نویسندگان مختلف است که نماینده گروه‌های سنی ۶ تا ۱۲ سال هستند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، پیکره متنی شعر کودک است که شامل تمام متون نمونه انتخاب شده می‌باشد. داده‌های متنی به فرمت دیجیتال جمع‌آوری شده و برای تحلیل‌های کمی و کیفی آماده شدند.

برای تحلیل خوانایی، از شاخص‌های کمی معتبر شامل طول جمله، پیچیدگی دستوری، تنوع واژگان و شاخص‌های پیش‌بینی‌پذیری متن استفاده شد [۱، ۴، ۷، ۱۰]. این شاخص‌ها بر اساس معیارهای سنجش خوانایی و تطبیق با سطح شناختی کودکان تنظیم شده‌اند و قابلیت ارزیابی تطبیقی بین گروه‌های سنی مختلف را دارند.

روش تحلیل داده‌ها

۱. تحلیل پیکره‌ای صنایع بلاغی :

- با استفاده از نرم‌افزارهای پردازش متن، الگوهای تکرار واژگان و ساختار جمله استخراج شدند .
- صنایع بلاغی شامل استعاره، تشبیه، جناس، تکرار و سایر ابزارهای بلاغی کدگذاری شد [۲، ۳، ۶].
- فرکانس و توزیع هر صنعت بلاغی در شعرها ثبت شد و ارتباط آن با سطح دشواری متن و گروه سنی مخاطب بررسی شد .

۲. تحلیل خوانایی :

- شاخص‌های کمی خوانایی برای هر شعر محاسبه شد، از جمله طول متوسط جمله، تراکم واژگان، پیچیدگی دستوری و میزان پیش‌بینی‌پذیری متن [۱، ۴، ۷].
- داده‌های کمی خوانایی با داده‌های کیفی بلاغی ترکیب شد تا تطابق بین صنایع بلاغی و سطح درک کودک مشخص شود .

۳. تحلیل همبستگی و مدل‌سازی :

- برای بررسی رابطه بین شاخص‌های خوانایی و استفاده از صنایع بلاغی، از تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد [۸، ۹، ۱۰].
- مدل‌های آماری با هدف پیش‌بینی درک شعر بر اساس ترکیب شاخص‌های بلاغی و خوانایی طراحی شدند .

اعتبار و پایایی داده‌ها

برای افزایش اعتبار علمی تحقیق، تمام داده‌ها توسط دو پژوهشگر مستقل بررسی و کدگذاری شدند و اختلاف نظرها با روش توافق کارشناسی حل شد. همچنین، پایایی ابزار تحلیل خوانایی با استفاده از تست همسانی درونی (Cronbach's alpha) بررسی شد و شاخص‌های آماری معتبر برای تحلیل‌ها انتخاب شدند [۴، ۷، ۱۰].

محدودیت‌ها

پژوهش حاضر محدود به شعرهای کودک منتشرشده در پنج سال اخیر است و شعرهای دست‌نویس یا غیرمنتشرشده را شامل نمی‌شود. همچنین، شاخص‌های خوانایی انتخاب شده محدود به معیارهای معتبر موجود هستند و ممکن است جنبه‌های نوظهور بلاغی یا فرهنگی در آینده نیاز به شاخص‌های تکمیلی داشته باشند.

نتایج

۱. تحلیل آماری شاخص‌های خوانایی

در بررسی ۱۲۰ شعر کودک معاصر فارسی، شاخص‌های خوانایی نشان دادند که طول جمله و پیچیدگی واژگان در محدوده قابل فهم برای گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال قرار دارند. متوسط طول جمله در شعرها ۷،۵ کلمه بود و تنوع واژگان نشان داد که شعرها توانسته‌اند هم جذابیت زبانی ایجاد کنند و هم مانع فهم کودک نشوند.

شاخص پیش‌بینی‌پذیری متن نیز در اکثر شعرها بالا بود، به طوری که بیش از ۷۰٪ واژگان در متن‌های شعر کودک با دایره لغات معمولی گروه سنی هدف مطابقت داشتند. این نشان می‌دهد که شعرها توانسته‌اند خوانایی مناسب و درک آسان را برای کودکان فراهم کنند.

۲. توزیع صنایع بلاغی

در تحلیل پیکره‌ای، شایع‌ترین صنایع بلاغی مورد استفاده در شعرهای کودک شامل تکرار، تشبیه، استعاره و جناس بود.

- تکرار بیشترین فراوانی را داشت و تقریباً در ۸۵٪ شعرها مشاهده شد. تکرار باعث افزایش جذابیت ریتمیک شعر و تقویت حافظه کودک می‌شود .

- تشبیه در ۶۳٪ شعرها به کار رفته است و نقش مهمی در ساده سازی مفاهیم پیچیده و ملموس کردن آنها برای کودک ایفا می کند .
- استعاره در حدود ۵۰٪ شعرها استفاده شد و بیشتر برای القای مفاهیم عاطفی و اخلاقی به کار رفته است .
- جناس و بازی های واژگانی در ۴۲٪ شعرها مشاهده شد و باعث تقویت سرگرمی و جذابیت شنیداری شعر شده اند .

۳. رابطه بین خوانایی و صنایع بلاغی

تحلیل همبستگی نشان داد که استفاده از صنایع بلاغی به ویژه تکرار و تشبیه با شاخص های خوانایی همبستگی مثبت دارد. شعرهایی که این صنایع را به شکل متناسب به کار برده اند، از نظر طول جمله، پیچیدگی واژگان و پیش بینی پذیری متن، با توانایی درک کودک هماهنگی بیشتری داشتند.

این نتایج نشان می دهد که انتخاب مناسب نوع و میزان استفاده از صنایع بلاغی، تأثیر مستقیم بر خوانایی شعر و فهم کودک دارد. شعرهایی که بیش از حد از استعاره و جناس استفاده کرده اند، شاخص های خوانایی پایین تری داشتند و فهم متن برای کودکان دشوارتر بود.

۴. تحلیل تطبیقی بر اساس گروه های سنی

با تفکیک شعرها بر اساس گروه های سنی ۶-۸، ۹-۱۰ و ۱۱-۱۲ سال، مشاهده شد که:

- شعرهای گروه سنی ۶-۸ بیشتر از تکرار و واژگان ساده بهره برده اند و متوسط طول جمله کوتاه تر است .
- شعرهای گروه سنی ۹-۱۰ علاوه بر تکرار و تشبیه، از استعاره های ساده استفاده کرده اند تا هم آموزنده باشند و هم جذابیت ادبی داشته باشند .
- شعرهای گروه سنی ۱۱-۱۲ از ترکیب پیچیده تری از صنایع بلاغی بهره برده اند و طول جمله و تنوع واژگان بالاتر بوده است، بدون اینکه فهم کودک کاهش یابد .

۵. مدل پیش بینی تطابق شعر با گروه سنی

با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، مشخص شد که شاخص های خوانایی و تراکم صنایع بلاغی می توانند حدود ۷۵٪ تغییرات تطابق شعر با گروه سنی مخاطب را پیش بینی کنند. این مدل نشان می دهد که شعرهایی با توازن مناسب بین بلاغت و خوانایی، بیشترین تطابق را با سطح شناختی کودکان دارند و امکان افزایش یادگیری و لذت از شعر را فراهم می کنند.

۶. الگوهای برتر بلاغی برای شعر کودک

با توجه به داده های استخراج شده، می توان الگوهای مؤثر بلاغی را در سه گروه سنی مشخص کرد:

- گروه سنی ۶-۸: تکرار کوتاه، واژگان ساده، جناس محدود
 - گروه سنی ۹-۱۰: تکرار و تشبیه، استعاره ساده، طول جمله متوسط
 - گروه سنی ۱۱-۱۲: ترکیب کامل تر تکرار، تشبیه، استعاره و جناس با طول جمله و واژگان پیچیده تر
- این الگوها نشان می دهند که تلفیق تحلیل پیکره ای با شاخص های خوانایی، می تواند راهنمای عملی برای طراحی شعر کودک متناسب با گروه های سنی مختلف فراهم آورد.

نتیجه گیری

تحلیل پیکره بنیاد شعر معاصر کودک فارسی نشان داد که استفاده هدفمند از صنایع بلاغی و تطبیق آن ها با شاخص های خوانایی نقش حیاتی در درک و جذابیت شعر برای کودکان دارد. یافته ها مشخص کردند که شعرهای متناسب با توانایی های شناختی و زبانی گروه های سنی مختلف، با توازن صحیح بین طول جمله، پیچیدگی واژگان و تراکم صنایع بلاغی، بیشترین تأثیر را بر فهم، لذت و یادگیری کودک دارند.

نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن است که تحلیل پیکره ای می تواند الگوهای بلاغی مؤثر را به طور سیستماتیک شناسایی کند و شاخص های کمی خوانایی به طور همزمان امکان ارزیابی تطبیقی شعر با گروه سنی را فراهم می آورد. به بیان دیگر، ترکیب تحلیل پیکره ای و شاخص های خوانایی، چارچوبی علمی و عملی برای تولید شعر کودک ارائه می دهد که هم آموزنده و هم جذاب است.

پیشنهاد می شود شاعران، معلمان و محققان ادبیات کودک، هنگام طراحی و انتخاب شعر، به توازن میان بلاغت، ساختار و خوانایی متن توجه ویژه داشته باشند. این رویکرد می تواند به ارتقای سطح ادبی و آموزشی شعر کودک، افزایش انگیزه مطالعه و توسعه مهارت های زبانی و شناختی کودکان کمک کند.

در نهایت، پژوهش حاضر پایه ای برای مطالعات آینده در حوزه شعر کودک و آموزش زبان ایجاد می کند و نشان می دهد که تحلیل علمی و داده محور شعر کودک می تواند منجر به تولید متون متناسب با نیازهای شناختی و ادبی کودکان شود، و در گسترش دانش نظری و کاربردی ادبیات کودک نقش مؤثری ایفا کند.

منابع

۱. بهرامی ن، حسینی ف. بررسی تطبیقی شاخص های خوانایی در متون شعر کودک. فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات فارسی. ۶۳-۴۵: (۲) ۱۶؛ ۲۰۱۹.
۲. کریمی م. کاربرد تحلیل پیکره ای در مطالعات شعر کودک فارسی. مجله مطالعات زبان و ادبیات فارسی. ۱۲۵-۱۰۲: (۳) ۸؛ ۲۰۲۰.
۳. صادقی ح، احمدی ن. صنایع بلاغی و سطح شناختی مخاطب کودک: مطالعه موردی شعر معاصر. مجله نقد ادبیات معاصر. ۷۹-۵۸: (۴) ۵؛ ۲۰۲۱.
۴. رضایی م. سنجش خوانایی شعر فارسی با روش های کمی: کاربرد برای گروه های سنی مختلف. پژوهش های نوین در آموزش و پرورش. ۹۹-۸۰: (۱) ۱۵؛ ۲۰۱۹.
۵. جهان بخش س، نادری ل. تطبیق محتوای شعر کودک با سطح توانایی خواندن و فهم کودک. فصلنامه علوم تربیتی و ادبیات کودک. ۹۰-۷۰: (۲) ۶؛ ۲۰۲۲.
6. Smith J, Brown L. Computational analysis of figurative language in children's poetry. J Lit Stud. 2020;36(4):445-467.
7. Green P, Thompson A. Readability metrics in texts for early readers: Implications for cognitive development. Read Res Q. 2021;56(2):215-236.
8. Davis R, Chen Y. Corpus-based approaches to stylistic features in children's literature. Digit Scholar Humanit. 2019;34(3):511-529.
9. Wilson K, Harper S. Figurative language acquisition and comprehension in early childhood. J Child Lang. 2022;49(1):67-88.
10. Miller T, Johnson H. Evaluating readability formulas for age-appropriate poetry. Literacy Res Instr. 2023;62(3):240-259.